

در دریای «واژه ها»

پدر (پاد-ر). پاپا. بابا.

نیاک. نیا.

پاپانوروز. بابا نوروز.

پاپانوئل. بابانوئل

(عمو نوروز!!)



دکتر ناصر انقطاع

یکی از چهار زبان «کلاسیک» جهان، زبان پارسی است. زبان «کلاسیک» به زبانی گفته می شود که دارای دو صفت برجسته باشد که دیگر زبان های جهان (به جز چهار زبان کلاسیک لاتین کهن - ایتالیایی - سنسکریت و پارسی) دارای این صفت نباشند.

۱- در درازای سده ها و شاید هزاران سال آسیب چشمگیری به ساختار دستوری و ریشه گیری واژه های آن وارد نشده باشد. بدانگونه که نوشته ها و گفته های بیش از هزار سال پیش آن زبان برای گویندگان کنونی اش نیز مفهوم و روا باشد.

چامه های رودکی و فردوسی، که بیش از یک هزار سال پیش سروده شده است همه به آسانی برای ما مفهوم و به کار بردنی است.

بوی جوی مولیان آید همی
یاد یار مهربان آید همی
رود آموی و درشتی های آن
خننگ ها را تا میان آید همی
ای بخارا، شادباش و شادزی
میر زی تو میهمان آید همی

یا:

توانا بود هر که دانا بود
زدانش دل پیر برنا بود

یا:

این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می خواند
بر در می‌کده ای با دف و نی، ترسایی
گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
وای اگر از پس امروز بود فردایی

و... و... از این نمونه ها بی اندازه از گذشته تا امروز، به ما نشان می دهند که زبان پارسی بسان کوه دماوند استوار و سر بلند بر بلندای تاریخ ایستاده است.

۲- ویژگی دیگر زبان کلاسیک آن است که می توان واژه هایش را پی گرفت و ریشه یابی کرد. برای نمونه واژه «مادر» که اگر آن را باز کنیم، از ریشه ی «ماد» و پسوند «-ر» پدید آمده. واژه ی «ماد» و مای و مایه و ماده و دای و دایه ... و... همه به معنای زاینده اند. همانگونه که خمیر ترش را که از باکتری های تخمیر کننده پدید آمده، هنگامی که به یک لاوک بزرگ از خمیر فطیر می زنند در فاصله چند دقیقه سراسر لاوک را تبدیل به خمیر ترش و آماده برای نان پختن می کند و به این خمیر ترش «خمیرمایه» می گویند. یعنی خمیر زاینده.

پس مادر یا ماده یعنی عنصر زاینده.

این بررسی را می گویند: ریشه یابی.

اکنون از یک کارشناس زبان انگلیسی پرسید واژه ی Mother دارای چه ریشه ای است؟ یا نمی تواند پاسخ دهد و یا می گوید از زبان پارسی گرفته شده است.

بر این پایه، پس از این سر آغاز کوتاه به بررسی و ریشه یابی واژه های پدر، پاپا، نیاک، (نیا) می پردازیم.

اگر واژه پدر را ریشه یابی کنیم پی می بریم در زبان پارسی کهن از پیوند «پاد» و «پسوند -ر» پدید آمده است.

«پاد» به معنای «نگهبان» و «دارنده» است مانند آذرپاد، سپه پاد (سپهبد) بارپاد (باربد) دژپاد... و... و...

پسوند «ر» نیز پسوند ویژه خانواده است (مادر، پسر، دختر، برادر، خواهر و...) هنوز هم در بسیاری از روستاهای ایران، بویژه در آذرآبادگان به «پدر»، «پدر» می گویند پس واژه ی «پدر» از «پاد-ر» گرفته شده است. یعنی نگهبان و دارنده و سرپرست خانواده. معنای واژه «مادر» نیز روشن شد.

پاپا: در پارسی کهن و پارسی میانی (پهلوی ساسانی) به پدر بزرگ، پاپا می گفتند. این واژه، در برخوردهای میان ایران و یونان به زبان آنان رفت و به شیوه یونانیان «پاپاس» گفته شد. باز هم به معنای «پدر پدر» (پدر بزرگ). ایرانیان به نماد نوروز و پیام آور شادی و نوگرایی و جاودانگی «پاپانوروز» می گفتند یعنی «پدر بزرگ، نوروز» و این نام بر روی این نماد جاودانگی ماندگار بود. تا تازیان به ایران تاختند. و چون آنان از به کار بردن بند واژه ی «پ» در گفتار خود ناتوان بودند «پاپانوروز» را «بابا نوروز» گفتند. و همین روش گفتاری را ایرانیان تازی زده به کار بردند و «بابا نوروز» جای «پاپانوروز» را گرفت.

ای کاش دست اندازی به روش های ارزشمند ایرانی و باستانی، به همین جا پایان می گرفت. ولی گروهی خشک اندیش ناآگاه و خودنما، آمدند و برای اینکه چیزی گفته باشند نغمه ی دیگری را ساز کردند و گفتند: واژه ی «بابانوروز»، اهانت به همه ی ایرانیان است. زیرا همه ی ایرانیان دارای یک پدر بیشتر نیستند. پس واژه ی «بابا» اهانت به ساخت ورجاوند!! مادران ما می شود. (زیرا فرق معنای بابا را با «پدر» نمی دانستند و اشتباه می کردند) و افزودند که بهتر آن است که بگوییم «عمو نوروز!!»

گروهی چشمگیر از همان کسانی که اهل اندیشیدن نیستند و هر چیز را بی اندیشه باور می کنند. بگفته ی دیگر پیرو تعبئ هستند و نه تعقل، به این نماد جاودانگی گفتند: «عمو نوروز!»

نه! چنین نیست. پاپا، بابا، یعنی پدر بزرگ و پدر بزرگ گفتن نماد نوروزی هرگز اهانت به مادران بزرگوار ما نخواهد بود. (در اینجا شایسته گفتن است که پدید آمدن و پا گرفتن نمادی به نام «پاپا نوئل» در آغاز هر سال ترسایی نیز، ریشه در اندیشه ی ایرانی دارد. زیرا همان باور «پاپانوروز» که نماد نیک اندیشی و پیام آور تندرستی که ایرانیان باور داشتند، به سرشت «پاپا نوئل» نیز انتقال یافت)

چون کیش مسیح تاثیر فراوانی از کیش مهر (میترایسم ایرانی) را پذیرفته بود، رومیان، پیش از مسیحی شدن، میترایست بودند. (کتاب حافظ و کیش مهر نوشته ی همین نویسنده)

پس پاپانوئل آنها، گذشته از نامش که «پاپا و نوئل و نوروز» یک معنا را دارند. رخت و ریخت پاپانوئل نیز ایرانی است. زیرا هم ردایش به رنگ سرخ است که رنگ دلخواه میترا و رنگ شنل میترا است، و هم کلاه پاپانوئل نیز کلاه فریژی (سرشکسته) است که کلاه میترا بوده.

اما دست کم پاپانوئل این بخت را نسبت به بابا نوروز داشته که هنوز هم فقط به جای بابانوئل، به او پاپانوئل می گویند. نه عمو نوئل!!!

بهر روی، پاپانوئل بی گمان پدیده ای باز گرفته شده از «پاپا نوروز» ما ایرانی ها است. به واژه «نیا» می رسیم: این واژه که در پارسی کهن و پارسی میانی «نیاک» گفته می شد امروز به نادرست به پدر بزرگ گفته می شود. در حالی که در زبان های میانی و کهن ایرانی به پدر بزرگ تنها «پاپا» می گفتند و از پدر بزرگ بالاتر را «نیاک» یا «نیا» می گفتند.

این اشتباه از هنگامی پدید آمد که پس از تاختن تازیان از دگرگون شدن زبان پهلوی ساسانی به زبان پارسی امروزی پدر پدر را «نیا» گفتند. در حالی که چنین نیست. پدر «پاپا» یا بابا را «نیا» یا «نیاک» می گویند. پدر پدر، پاپا یا بابا است. «نیا»، یا «نیاک» درست جانشین واژه «جد» است. یعنی از پشت سوم به بعد.
